The University of Tehran Press

Research in Contemporary World Literature

Online ISSN: 2588-7092

Journal Homepage: https://jor.ut.ac.ir/

An African-American Reading of Racial Discourse and Identity in Octavia Butler's Kindred

Mohammad Amin Mozaheb [1]✉

1.- Department of Foreign Languuages, Language Center, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. E-mail dr.mozaheb@isu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received : 3 June 2025
Received in revised form: 13 June 2025
Accepted: 11 August 2025
Available online: 23 September 2026

Keywords:
Slavery, Contemporary Novel, Time Travel, Antebellum South, Postmodern

ABSTRACT

This article examines the interweaving of racial discourse and identity formation in Octavia Butler's novel Kindred through the lens of African American literary and cultural theories. By examining the time-travel journey of Dana, the novel's protagonist, to the antebellum American South, the article demonstrates how Butler challenges historical memory, systemic oppression, and the intergenerational trauma of slavery. Drawing on critical perspectives from African American studies, this reading highlights the inseparable link between contemporary African American identity and the legacy of racial violence and resistance. The article also explores Butler's use of the speculative and postmodern genre as a tool for reimagining history and giving voice to marginalized experiences. Ultimately, this article interprets Kindred as a powerful commentary on race, identity, and the ethics of remembrance within the context of American cultural history, and introduces this seminal work in post-slavery literature and critical reinterpretation of American history to Iranian academia.

Cite this article Mozaheb, M. A., "An African-American Reading of Racial Discourse and Identity in Octavia Butler's Kindred,". *Research in Contemporary World Literature*, *31*(3), 547-559 https://doi.org/ 10.22059/jor.2025.396625.2658

© Author(s) retain the copyright. **Publisher**: The University of Tehran Press.

https://doi.org/ 10.22059/jor.2025.396625.2658

انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش ادبیات معاصر جهان

شاپا الکترونیکی: ۷۰۹۲-۲۵۸۸

Journal Homepage: https:// jor.ut.ac.ir/

خوانش آفریقایی–آمریکایی از گفتمان نژادی و هویت در رمان خویشاوند اثر اکتاویا باتلر

محمد امین مذهب [۱] ✉

۱- بخش زبان های خارجی، مرکز زبان، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. رایانامه: dr.mozaheb@isu.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها:
برده‌داری، رمان معاصر، سفر زمان، جنوب پیشاجنگ، پسامدرن

چکیده

این مقاله به تحلیل پیوند میان گفتمان نژادی و شکل‌گیری هویت در رمان *خویشاوند* اثر اکتاویا باتلر از منظر نقد آفریقایی–آمریکایی می‌پردازد. با بررسی سفر زمانی دانا، شخصیت اصلی داستان، به دوران پیش از جنگ داخلی در جنوب آمریکا، مقاله نشان می‌دهد که چگونه باتلر از طریق بازنمایی ستم نظام‌مند و زخم‌های بین‌نسلی برده‌داری، حافظه‌ی تاریخی را بازخوانی می‌کند. این خوانش بر اساس دیدگاه‌های مطالعات نژادی، فمینیستی و فرهنگی سیاه‌پوستان آمریکا انجام شده و بر پیوستگی میان هویت معاصر سیاه‌پوستان و میراث خشونت نژادی، جنسیتی و طبقاتی تأکید دارد. همچنین، مقاله به نقش عناصر پسامدرن در متن باتلر می‌پردازد؛ عناصری که به‌عنوان ابزار روایتگری حاشیه‌نشینان و بازآفرینی تاریخ به‌کار گرفته می‌شوند و ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای بازنمایی تروما، مقاومت، عاملیت و بازسازی هویت دارند. نویسنده استدلال می‌کند که *خویشاوند* فراتر از یک داستان علمی–تخیلی، به‌مثابه روایتی اخلاقی، تاریخی و فرهنگی از مبارزه، حافظه و هویت سیاه‌پوستان عمل می‌کند. در نتیجه، مقاله جایگاه این اثر را در ادبیات پسابرده‌داری تبیین می‌کند و آن را منبعی ارزشمند برای تحلیل انتقادی تاریخ و فرهنگ معاصر آمریکا پیشنهاد می‌دهد. یک یافته‌ی کلیدی در مقاله این است که بدن سیاه‌پوست زنانه در رمان، به محل تلاقی حافظه‌ی تاریخی و خشونت نهادی بدل می‌شود که در آن، تجربه‌ی زیسته با تاریخ جمعی پیوندی ناگسستنی می‌یابد.

استناد: مذهب، محمد امین، "خوانش آفریقایی–آمریکایی از گفتمان نژادی و هویت در رمان خویشاوند اثر اکتاویا باتلر". *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۳۱ (۳)، ۵۵۹-۵۴۷

https://doi.org/ 10.22059/jor.2025.396625.2658

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱– مقدمه

رمان *خویشاوند*، اثر اکتاویا باتلر، رمان‌نویس معاصر و سیاه‌پوست آمریکایی، در سال ۱۹۷۹ منتشر شد. این رمان از متون محوری ادبیات گمانه‌زن و پسامدرن آفریقایی آمریکایی به‌شمار می‌رود و میراث خشونت‌بار برده‌داری و تروماهای نژادیِ برجای‌مانده از قرن نوزدهم را به شیوه‌ای واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشد. داستان از دیدگاه دانا روایت می‌شود؛ زنی سیاه‌پوست که از سال ۱۹۷۶ به‌طرزی اسرارآمیز به دوران پیش از جنگ داخلی آمریکا، در مزرعهٔ خانوادهٔ ویلین در ایالت مریلند، سفر می‌کند و با نیاکان خود، از جمله روفوس ویلین و آلیس گرینوود، روبه‌رو می‌شود (باتلر ۱۹۸۱، ۲۶). به گفتهٔ دونالدسون، باتلر با کنار هم نشاندن گذشته و حال، روایت‌هایی را که تاریخ را از اکنون جدا می‌کنند و نیز گفتمان نژادی را به چالش می‌کشد. بااین‌حال، این چالش در فضایی تیره و بدبینانه شکل می‌گیرد، زیرا نژادپرستی همچنان گفتمانی مسلط و نیرومند در جامعهٔ آمریکاست (دونالدسون ۲۰۱۴، ۹۴). بر این اساس، مقالهٔ حاضر استدلال می‌کند که *خویشاوند* متنی خودآگاه و عمیقاً انتقادی در سنت ادبیات آفریقایی‌آمریکایی است که شکل‌گیری هویت سیاهان را در بستر ستم نژادی بررسی می‌کند. این رمان هم‌زمان با بهره‌گیری از شگردهای پسامدرن، از جمله پرش‌های زمانی و روایت غیرخطی، مفاهیم تاریخ و هویت و نیز واقعیت‌های نژادی را در گذشته و آمریکای معاصر به پرسش می‌کشد. این پژوهش، با تکیه بر دیدگاه‌های منتقدان حوزهٔ نقد و نظریهٔ آفریقایی‌آمریکایی و از طریق تحلیل متنی، بررسی می‌کند که چگونه *خویشاوند* با گسستن پیوستگی زمانی و برقرار کردن پیوندی میان گذشته و حال، برده‌داری را نیرویی زنده و ویرانگر در آمریکای دههٔ هفتاد میلادی بازنمایی می‌کند؛ نیرویی که در گذشتهٔ تاریخی ریشه دارد و رمان استمرار آن را به چالش می‌کشد. در چارچوب نقد ادبی آفریقایی‌آمریکایی، *خویشاوند* پاسخی به سکوت‌ها و حذف‌های روایت‌های مسلط تاریخی است. پژوهشگرانی چون باربارا کریستین، هنری لوئیس گیتس و هورتنس اسپیلرز همواره بر بازپس‌گیری صداها و تجربه‌های سیاهان در ادبیات تأکید کرده‌اند. شخصیت دانا در امتداد همین سنت انتقادی قرار می‌گیرد: سفرهای اجباری و اسرارآمیز او به گذشته، هم جابه‌جایی‌هایی جسمانی‌اند و هم تجسم نمادین حافظهٔ تاریخی آفریقایی‌آمریکاییان. چنان‌که پوپسکو توضیح می‌دهد، بدن دانا، به‌ویژه در مقام بدن یک زن سیاه‌پوست، در این روایت به عرصهٔ ثبت خشونت تاریخی و تروماهای برخاسته از گذشتهٔ تاریک بدل می‌شود (پوپسکو ۲۰۱۸، ۱۸۵). جراحت‌هایی که دانا در هر بازگشت به زمان حال با خود می‌آورد، استعاره‌ای ملموس از تروما و زخم‌های ماندگار برده‌داری و نژادپرستی در آمریکاست.

از منظر نقد آفریقایی‌آمریکایی، *خویشاوند* مداخله‌ای درخور توجه در ساختار ادبی و گفتمان نژادی به‌شمار می‌آید. این رمان، ضمن بهره‌گیری از سنت‌های مسلط روایت بردگی، از احساس‌گرایی می‌پرهیزد و خشونت و تروما را بی‌پرده بازنمایی می‌کند. باتلر با ارائهٔ بازنمایی‌ای تاریخی از رنج سیاهان و گسستن از چارچوب‌های روایی کلاسیک، تجربهٔ زیستهٔ یک زن سیاه‌پوست را در پیوند پیچیدهٔ گذشته و حال به تصویر می‌کشد. در این زمینه، پژوهش حاضر از دیدگاه‌های انتقادی دبورا وایت، تاریخ‌نگار آفریقایی‌آمریکایی، برای تحلیل متن رمان بهره می‌گیرد. دیدگاه وایت امکان بازشناسی روابط قدرت نژادی در بطن روایت و درک عمیق‌تر سازوکار حافظه و رنج تاریخی سیاه‌پوستان را فراهم می‌کند. بدین ترتیب، *خویشاوند* با تلفیق فرم پسامدرن و محتوای تاریخی و سیاسی، برده‌داری را واقعیتی تاریخی بازمی‌نمایاند که همچنان به‌صورتی زنده، فعال و خشونت‌بار در حافظه و ساختار اجتماعی آمریکا حضور دارد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که باتلر چگونه از خلال روایت دانا، مرزهای گذشته و حال را درهم می‌شکند تا تداوم ستم نژادی و ماندگاری زخم‌های تاریخی را در آمریکای معاصر بر خوانندگان آشکار سازد.

۲- نقد آفریقایی-آمریکایی: صدا، حافظه، و مقاومت در برابر سلطه نژادی

نقد آفریقایی‌آمریکایی[1] شاخه‌ای از نقد ادبی است که آثار نویسندگان سیاه‌پوست آمریکایی و بازنمایی تجربه‌های سیاهان را در تاریخ، جامعه و فرهنگ ایالات متحده بررسی می‌کند. این رویکرد، در کنار تحلیل زیبایی‌شناسی و ساختار متون ادبی، به مسائل هویت، نژاد، قدرت، زبان و تاریخ سیاه‌پوستان توجه دارد. به گفتهٔ برسلر، در کانون این رویکرد انتقادی، تلاش برای بازپس‌گیری روایت‌هایی قرار دارد که در گفتمان‌های مسلط سفیدپوستان سرکوب، حذف یا تحریف شده‌اند (برسلر ۲۰۱۱، ۲۱۰). نقد آفریقایی‌آمریکایی، ضمن تعامل با نظریه‌های پسااستعماری، فمینیستی و پسامدرن، ویژگی‌های متمایزی دارد که آن را به سنتی فکری، ریشه‌دار و مقاوم بدل کرده است. این نقد از دل تجربهٔ تاریخی برده‌داری، تبعیض نژادی و مبارزات حقوق مدنی برآمده است. نخستین نمودهای آن را می‌توان در نوشته‌های قرن نوزدهم، از جمله *روایت زندگی فردریک داگلاس*، اثر فردریک داگلاس، مشاهده کرد (داگلاس ۱۸۴۵). در این آثار، نوشتن خود کنشی سیاسی برای اثبات انسانیت سیاهان در برابر نگاه کالایی و تحقیر نژادی سفیدپوستان بود. در قرن بیستم، به‌ویژه با شکل‌گیری جنبش رنسانس هارلم در نیویورکِ دههٔ ۱۹۲۰ و ظهور نویسندگان معترضی چون لانگستون هیوز، زورا نیل هرستون و کلود مک‌کی، نقد آفریقایی‌آمریکایی وارد مرحله‌ای تازه شد. در این دوره، ادبیات به ابزاری برای بیان غرور نژادی و مقاومت فرهنگی در برابر نژادپرستی نهادینه در جامعهٔ آمریکا تبدیل شد. هنرمندان و نویسندگان هارلم به ستایش ادبیات و فرهنگ آفریقایی‌آمریکایی پرداختند و خواهان احیای فرهنگ و سنت‌های آن در عرصه‌های ادبی، فرهنگی و سیاسی آمریکا شدند (برسلر ۲۰۱۱، ۲۱۳).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، هم‌زمان با اوج‌گیری جنبش حقوق مدنی و مبارزات سیاه‌پوستان در ایالات متحده، نقد آفریقایی‌آمریکایی جایگاه خود را در دانشگاه تثبیت کرد. یکی از تحولات مهم این دوره، تأکید بر مفهوم سیاه‌بودگی[2] به‌مثابه تجربه‌ای ساختاری و اجتماعی بود که در زبان و فرم ادبی و نیز در محتوای سیاسی و تاریخی آثار بازتاب می‌یابد. مفاهیمی چون آگاهی دوگانه، که دبلیو. ای. بی. دوبوآ مطرح کرد، تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری این رویکرد ادبی و نظری داشتند. دوبوآ استدلال می‌کند که فرد سیاه‌پوست آمریکایی هم‌زمان از درون به خویشتن می‌نگرد و خود را از منظر سفیدپوستان می‌سنجد. این آگاهی دوگانه، هویت سیاهان را پیچیده و گاه متزلزل می‌سازد؛ وضعیتی که در بسیاری از آثار ادبی و نقدهای بعدی بازتاب یافته و شکاف موجود در جامعهٔ آمریکا را آشکار کرده است (دوبوآ ۲۰۰۷، ۸). در دهه‌های پایانی قرن بیستم، چهره‌هایی چون هنری لوئیس گیتس، هیوستون بیکر و باربارا کریستین در شکل‌گیری مبانی نظری و روش‌شناختی این نقد نقشی اساسی ایفا کردند. برای نمونه، کریستین از سیطرهٔ نظریه‌پردازی تجریدی فیلسوفان غربی بر نقد ادبی انتقاد می‌کند. او بر آن است که سیاه‌پوستان تجربهٔ زندگی خود را در قالب‌های روایی نظریه‌پردازی می‌کنند و از این طریق، روابط قدرت حاکم بر زندگی خویش را آشکار می‌سازند (کریستین ۱۹۸۷، ۵۲-۵۱). از نظر کریستین، خوانش‌های گوناگون آثار نویسندگان سیاه‌پوست باید به پیچیدگی تلاقی طبقه، نژاد و جنسیت توجه کنند. بر همین اساس، او از تجویز نظریه‌ای واحد برای نقد فمینیستی سیاه‌پوستان پرهیز می‌کند (کریستین ۱۹۸۷، ۵۳).

در چارچوب نظری این نقد، مفاهیم حافظهٔ تاریخی، تجربهٔ زیسته، تکرار و مقاومت جایگاهی بنیادین دارند. حافظهٔ تاریخی از یادآوری صرف گذشتهٔ برده‌داری فراتر می‌رود و به کنشی سیاسی در برابر فراموشی

---

[1]- African-American criticism
[2]- Blackness

نهادینه بدل می‌شود. نویسندگان و هنرمندان اقلیت، به‌ویژه آفریقایی‌آمریکاییان، از بازخوانی گذشته برای آشکار ساختن حقیقت‌های پنهان‌شده در تاریخ رسمی ایالات متحده بهره می‌گیرند. آنان با رجوع به برده‌داری، تبعیض نژادی و مقاومت‌های اجتماعی، تاریخ را بازنویسی می‌کنند تا صداهای خاموش‌شده را بار دیگر به عرصه آورند. در این رویکرد، حافظهٔ تاریخی ابزاری برای افشاگری، التیام و احقاق حقوق فردی است و امکان برساختن هویت جمعی و بازگرداندن کرامت انسانی به سوژه‌هایی را فراهم می‌کند که از تاریخ رسمی حذف شده‌اند. برای نمونه، به گفتهٔ هارتمن، هریت جیکوبز در روایت دوران بردگی خود، تجربه‌های شخصی‌اش از برده‌داری، سوءاستفادهٔ جنسی و زندگی در اختفا را در جامعهٔ آمریکای قرن نوزدهم بازگو می‌کند. در این روایت، حافظهٔ فردی به حافظه‌ای جمعی و افشاگر بدل می‌شود (هارتمن ۲۰۲۲، ۱۴۵). جیکوبز در مقام کنشگری سیاسی، خوانندگان را به مبارزه با نژادپرستی فرامی‌خواند و تجربهٔ زیستهٔ خود را در خدمت آگاهی‌بخشی و تحول اجتماعی قرار می‌دهد. از این حیث، روایت او عرصه‌ای برای مقاومت، شکل‌گیری پیوندهای همبستگی و بازتعریف هویت سیاهان است.

مفهوم تجربهٔ زیسته نیز در پیوند با حافظهٔ تاریخی نقشی مهم ایفا می‌کند. نقد اقلیت‌ها با عبور از تلقی فرد سیاه‌پوست به‌مثابه موضوعی انتزاعی، او را در هیئت بدنی اجتماعی، تاریخی و زبان‌مند بازتعریف می‌کند. تجربهٔ زیسته بر بدن‌مندی، زبان مادری و موقعیت اجتماعی سیاهان تأکید دارد و دانش حاصل از زندگی روزمره را در برابر گفتمان‌های رسمی قرار می‌دهد. این تأکید، در پیوند با تکرار و مقاومت، به پیدایش صورت‌های بدیل روایت می‌انجامد. ادبیات آفریقایی‌آمریکایی با تکرار واژگان، افسانه‌ها و قالب‌های سنتی شفاهی، حافظهٔ جمعی را زنده نگه می‌دارد و در برابر فرایندهای حذف فرهنگی مقاومت می‌کند. به اعتقاد گیتس، تکرار در چنین متونی کنشی مقاومتی است که با بازگویی مداوم تاریخ‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، سلطهٔ فرهنگی را به چالش می‌کشد (گیتس ۲۰۱۴، ۲۲). حافظهٔ تاریخی، تجربهٔ زیسته و تکرار در مقام مقاومت، در تعامل با یکدیگر چارچوبی انتقادی فراهم می‌کنند که از طریق آن می‌توان صدای اقلیت‌ها را در بطن ادبیات و تاریخ آمریکا شنید و بازشناخت. نقد آفریقایی‌آمریکایی، در کنار نقد متون ادبی، موضعی اخلاقی و سیاسی در برابر تاریخ خشونت، سکوت و بی‌عدالتی اتخاذ می‌کند. این نقد با بازگرداندن صدا به کسانی که خاموش نگه داشته شده‌اند، به شکل‌گیری دانشی مشارکتی و انسانی یاری می‌رساند؛ دانشی که گذشته را روشن‌تر می‌بیند و چشم‌اندازی از آینده ترسیم می‌کند که بر آگاهی و مقاومت بیشتر استوار است. در امتداد چنین سنتی، رمان *خویشاوند* به مسائل نژادی، فرهنگی و تاریخی آمریکای دههٔ ۱۹۷۰ می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه درهم‌تنیدگی ستم نژادی و جنسیتی بر زندگی سیاه‌پوستان در آمریکای معاصر حاکم است؛ ستم‌هایی که از قرن نوزدهم استمرار یافته‌اند.

۳- پیشینه تحقیق

رمان *خویشاوند* در دو دههٔ اخیر با استقبال بسیاری از منتقدان روبه‌رو شده است. هوآ در بحث از ساختار و سبک رمان، روایت چرخه‌ای و سفر در زمان را از شگردهای پسامدرن آن می‌داند که رئالیسم تاریخی، به معنای بازنمایی واقع‌گرایانهٔ گذشته، را به چالش می‌کشند و اندیشهٔ پیشرفت خطی و عقل‌گرایانه را محل تردید قرار می‌دهند (هوآ ۲۰۱۱، ۳۹۱). بی‌ثباتی زمانی در *خویشاوند* بازتاب بی‌ثباتی هویت داناست؛ هویتی که او ناگزیر است پیوسته در مواجهه با روفوس، نیای سفیدپوست خود، و بردگان مزرعهٔ ویلین بازتعریف کند. این گسست زمانی، برخلاف منطق پایان‌بندی‌های سنتی، به تکرار، ابهام و تعارض‌های حل‌نشدهٔ هویت نژادی می‌انجامد. روایت دانا از نجاتی حکایت دارد که با ازهم‌گسیختگی روان و بدن همراه است و به جبران یا رستگاری کامل نمی‌انجامد. بااین‌حال، شگردهای پسامدرن رمان به بی‌طرفی اخلاقی یا انتزاع از تاریخ منتهی

نمی‌شوند. به اعتقاد همپتون، *خویشاوند* این شگردها را برای معطوف کردن دوبارهٔ توجه به عاملیت سیاهان و افشای سازوکارهای ایدئولوژیکی به کار می‌گیرد که سلسله‌مراتب نژادی را بنا می‌کنند (همپتون ۲۰۱۰، ۱). چارچوب گمانه‌زن رمان، واقعیت تلخ برده‌داری را بی‌واسطه پیش چشم خواننده قرار می‌دهد. چنان‌که دبورا وایت، تاریخ‌نگار آفریقایی‌آمریکایی، تصریح می‌کند، نویسندگان سیاه‌پوست از داستان برای بازسازی جهان و نقد تاریخ بهره می‌گیرند (وایت ۱۹۹۹ب، ۶). باتلر نیز ادبیات تخیلی را به ابزاری برای بازخواست تاریخ بدل می‌کند و از این طریق، ستم و سلطهٔ نژادی نهادینه را به چالش می‌کشد. در امتداد این مطالعات، دیگر خوانش‌های معاصر بر بازنمایی حافظهٔ تاریخی، روایت بردگی و مسائل نژادی تأکید دارند. سانز خیمنس ترجمهٔ گونهٔ انگلیسی آفریقایی‌آمریکایی به زبان اسپانیایی را در دو روایت نوین بردگی، *پرندهٔ خدای خوب* و *راه‌آهن زیرزمینی*، بررسی می‌کند (سانز خیمنس ۲۰۲۰). پورترفیلد نیز خوانش انتقادی خود از رمان را بر مفاهیم خانواده، خودشناسی و نژاد استوار می‌سازد. او *خویشاوند* را متنی فانتزی با فضایی تلخ می‌داند که دریچه‌ای به آیندهٔ ادبیات علمی‌تخیلی سیاهان می‌گشاید (پورترفیلد ۲۰۲۵، ۲۵۶). مطالعهٔ پورترفیلد عمدتاً بر ظرفیت آموزشی ادبیات علمی‌تخیلی و گمانه‌زن تمرکز دارد. سرانجام، تالیور و فایلز با تکیه بر مفهوم سانکوفا، شیوهٔ پژوهش هنری باتلر در *خویشاوند* و پیوند بینش تاریخی با تخیل گمانه‌زن را الگویی برای بازاندیشی در روش‌های اروپامحور پژوهش کیفی معرفی می‌کنند (تالیور و فایلز ۲۰۲۶).

۴- بررسی و تحلیل خویشاوند

برای روشن شدن زمینهٔ رویدادهای رمان، ارائهٔ خلاصه‌ای کوتاه از داستان ضروری است. اکتاویا باتلر داستان دانا، زن سیاه‌پوست بیست‌وشش‌ساله‌ای را روایت می‌کند که در سال ۱۹۷۶ همراه با همسر سفیدپوستش، کوین فرانکلین، در آلتادنا، نزدیک لس‌آنجلس، زندگی می‌کند. دانا در روز تولد بیست‌وشش‌سالگی خود، ناگهان و بی‌هیچ توضیحی به مریلندِ قرن نوزدهم سفر می‌کند و پسربچه‌ای سفیدپوست به نام روفوس را از غرق شدن نجات می‌دهد. لحظاتی بعد، در حالی که از این تجربه سخت سردرگم و وحشت‌زده است، به زمان خود بازمی‌گردد. این رویداد آغاز سفرهای مکرر و ناخواستهٔ او به گذشته است. دانا به‌زودی درمی‌یابد که هر بار جان روفوس به خطر می‌افتد، به‌طرزی اسرارآمیز به گذشته فراخوانده می‌شود تا او را نجات دهد. روفوس، پسر یک مزرعه‌دار سفیدپوست و از نیاکان داناست؛ ازاین‌رو، زنده ماندن او تا تولد هاجر، نیای دانا، برای وجود دانا در آینده ضروری است. دانا در برخی از سفرها مدت طولانی‌تری در گذشته می‌ماند و با خطرهای بیشتری روبه‌رو می‌شود. او خشونت، ستم و شرایط غیرانسانی نظام برده‌داری در آمریکا را بی‌واسطه تجربه می‌کند.

دانا برای تغییر رفتار و نگرش روفوس می‌کوشد او را آموزش دهد و نگاهی انسانی‌تر در او پرورش دهد، به این امید که با بردگان محترمانه‌تر رفتار کند. بااین‌حال، روفوس هرچه بزرگ‌تر می‌شود، بیشتر با رفتارها و باورهای نژادپرستانهٔ محیط خود خو می‌گیرد. رابطهٔ او با آلیس گرینوود، زن سیاه‌پوستی که ابتدا آزاد است و سپس به بردگی کشیده می‌شود، محور اصلی داستان را تشکیل می‌دهد. آلیس نیز از نیاکان داناست و روفوس با تجاوز به او، زمینهٔ تداوم نسلی را فراهم می‌کند که سرانجام به دانا می‌رسد. دانا در تنگنایی اخلاقی قرار می‌گیرد و برای حفظ امکان وجود خود در آینده، ناگزیر به تحمل شرایطی دشوار می‌شود. در یکی از سفرها، او کوین را نیز با خود به گذشته می‌برد، اما کوین پنج سال در آن دوران گرفتار می‌ماند. هنگامی که دانا سرانجام به گذشته بازمی‌گردد و او را نجات می‌دهد، درمی‌یابد که زندگی در دوران برده‌داری، کوین را عمیقاً دگرگون کرده است. رابطهٔ آن دو، با وجود پیوند عاطفی‌شان، از تفاوت‌های نژادی و تجربه‌های تلخ گذشته تأثیر

می‌پذیرد. با اقامت‌های مکرر دانا در گذشته، آسیب‌های جسمی و روانی او نیز عمیق‌تر می‌شود. در آخرین سفر، هنگامی که روفوس قصد تجاوز به او را دارد، دانا برای دفاع از خود او را می‌کشد و با زخم‌هایی ماندگار به زمان خود بازمی‌گردد. بازوی چپ او پس از این بازگشت از بالای آرنج قطع می‌شود؛ آسیبی که نماد پیوند ناگسستنی گذشته و حال و آثار ماندگار تاریخ تاریک و هراس‌انگیز برده‌داری بر زندگی سیاه‌پوستان است.

به گفتهٔ هنری و تیتور، نژادپرستی فردی به پنداشت‌ها، باورها و رفتارهای نژادپرستانهٔ افراد اشاره دارد و «شکلی از تبعیض نژادی است که از تعصب شخصیِ آگاهانه و ناآگاهانه ناشی می‌شود» (هنری و تیتور ۲۰۰۶، ۳۲۹، به نقل از مرکز پژوهش آزادی‌های مدنی آلبرتا بی‌تا). در مقابل، نژادپرستی نظام‌مند در سیاست‌ها و رویه‌های نهادها و ساختارهای اجتماعی ریشه دارد و استمرار آن لزوماً به وجود قصد تبعیض‌آمیز فردی وابسته نیست.

از نظر هنری و تیتور، نابرابری‌های ساختاری «در عملکرد کلی جامعه ریشه دارند که شمار قابل‌توجهی از اعضای گروه‌های خاص را از مشارکت مؤثر در نهادهای عمدهٔ اجتماعی محروم می‌کند» (هنری و تیتور ۲۰۰۶، ۳۵۲، به نقل از مرکز پژوهش آزادی‌های مدنی آلبرتا بی‌تا). رمان *خویشاوند* هر دو صورت فردی و نهادینهٔ نژادپرستی را در سفرهای زمانی دانا به گذشته به تصویر می‌کشد. برای نمونه، لوک، سرپرست سیاه‌پوست کارگران مزرعهٔ تام ویلین، به پسرش نایجل هشدار می‌دهد: «با سفیدپوست‌ها بحث نکن. به آن‌ها نه نگو. نگذار ببینند عصبانی هستی. فقط بگو «بله، قربان». بعد برو و کاری را که خودت می‌خواهی انجام بده. شاید بعداً به خاطرش شلاق بخوری، اما اگر آن کار را به‌اندازهٔ کافی بخواهی، شلاق اهمیت چندانی نخواهد داشت» (باتلر ۱۹۸۱، ۱۱۲).

لوک به نایجل توصیه می‌کند از رویارویی آشکار با اربابان سفیدپوست بپرهیزد، اما در پس اطاعت ظاهری، خواست خود را دنبال کند. توصیهٔ او راهی برای حفظ امکان عمل در سایهٔ تهدید مجازات است و به فرمان‌برداری صرف محدود نمی‌شود. لوک در مزرعهٔ ویلین سرپرستی کارگران را بر عهده دارد. هراس از مجازات و خشونت جسمانی می‌تواند اطاعت ظاهری را تحمیل کند، اما چنین اطاعتی لزوماً به معنای پذیرش درونی سلطه نیست. خوانش شادپور و وفا از راهبرد بقا در *مرد نامرئی* نیز بر فاصلهٔ میان سازگاری ظاهری و مقاومت در برابر نظم نژادی تأکید دارد و به فهم توصیهٔ لوک کمک می‌کند (شادپور و وفا ۲۰۲۶، ۲۳۰). دانا نیز تا حدودی با همین وضعیت روبه‌رو می‌شود، هرچند از آینده آمده و از گذشته آگاه است. به اعتقاد پوپسکو، جابه‌جایی‌های زمانی مکرر او استعاره‌ای از کشش گریزناپذیر تاریخ‌اند، به‌ویژه برای آفریقایی‌آمریکاییانی که هویتشان در پیوند با میراث بردگی اجباری و آسیب‌های به‌ارث‌رسیده شکل گرفته است (پوپسکو ۲۰۱۸، ۱۸۵). ناباوری اولیهٔ دانا هنگام ورود به جنوب آمریکا در دوران پیش از جنگ داخلی دیری نمی‌پاید، زیرا به‌سرعت با واقعیت‌های خشونت‌بار برده‌داری مواجه می‌شود: خشونتی فراگیر و مشروعیت‌یافته، انسانیت‌زدایی و سلسله‌مراتب قدرتی که به‌طرزی هولناک طبیعی جلوه می‌کند. برای نمونه، دانا با یادآوری صحنهٔ شلاق زدن یک کارگر مزرعه، حالت چهرهٔ تام ویلین را چنین توصیف می‌کند: «حالت چهره‌اش را وقتی کارگر مزرعه را کتک زده بود به یاد آوردم. در چهره‌اش نه شادمانی بود، نه خشم و نه حتی علاقهٔ چندانی. گویی داشت هیزم می‌شکست» (باتلر ۱۹۸۱، ۱۰۹). دانا در همان لحظات نخست ورود به گذشته، روفوس را از غرق شدن در رودخانه نجات می‌دهد، اما بلافاصله مردی سفیدپوست تفنگش را به سوی او می‌گیرد (باتلر ۱۹۸۱، ۷–۸). از همان آغاز، دانا به سبب سیاه‌بودن، مجرم، بی‌ارزش و خطرناک انگاشته می‌شود، بی‌آنکه اقدام او برای نجات جان روفوس در نظر گرفته شود.

تبعیض نژادی در رمان به خشونت جسمانی محدود نمی‌شود و از بدو تولد کودک سیاه‌پوست، ابعادی روانی و عاطفی نیز دارد. مهم‌تر آنکه زادولد زنان سیاه‌پوستِ برده در نظام برده‌داری، به سبب انتقال وضعیت بردگی از مادر به فرزند، به استمرار برده‌داری و فرایند برده‌سازی می‌انجامد. در این زمینه، وایت بیان می‌کند که «آفریقاییان و آفریقایی‌آمریکاییان پست و فرودست به دنیا نیامده‌اند، بلکه بر اثر بردگی به این جایگاه تنزل یافته‌اند» (وایت ۱۹۹۹الف، ۱). باتلر ضمن بازنمایی نظام برده‌داری در مریلندِ قرن نوزدهم، فرایند برده‌سازی را نیز نشان می‌دهد؛ فرایندی که در عرصه‌های گوناگون، از جمله زبان، گفتار و انتخاب واژگان سیاه‌پوستان، نمود می‌یابد. برای نمونه، دانا پیوسته ناگزیر است گفتار و رفتار خود را با شرایط حاکم بر مزرعهٔ ویلین تطبیق دهد تا از تنبیه در امان بماند و بتواند در قرن نوزدهم دوام آورد. در چنین شرایطی، حتی سخن گفتن نیز عملی خطرناک است. سواد و اعتمادبه‌نفس دانا از نظر سفیدپوستان غیرعادی و تهدیدآمیز است، زیرا او می‌تواند به بردگان آگاهی ببخشد. ازاین‌رو، باید هوش و آگاهی خود را پنهان کند تا در جهانی زنده بماند که کوچک‌ترین تخطی از اطاعت مورد انتظار می‌تواند به خشونت بینجامد. این تحقیر بخشی جدایی‌ناپذیر از تجربهٔ بردگی است، زیرا حقوق و انسجام روانی انسان‌ها را نیز از آنان سلب می‌کند. چنان‌که دانا می‌گوید: «هرگز درنیافته بودم که چقدر آسان می‌توان آدم‌ها را به پذیرش بردگی تربیت کرد» (باتلر ۱۹۸۱، ۱۱۹). این جمله به قدرت ستم نژادی سازمان‌یافته در شکل دادن به قربانی و ستمگر اشاره دارد. این فرایند تربیت روانی به‌صورتی نگران‌کننده در شخصیت روفوس آشکار می‌شود. دانا در آغاز نسبت به او احساس نزدیکی می‌کند و حتی می‌کوشد راهنمایش باشد، اما روفوس سرانجام از جامعه‌ای تأثیر می‌پذیرد که در آن زاده شده است. دگرگونی او از پسری آسیب‌پذیر به مردی سلطه‌جو، تندخو و اقتدارگرا نشان می‌دهد که ایدئولوژی‌های برتری‌طلبی سفیدپوستان تا چه اندازه می‌توانند درونی شوند و ریشه بدوانند.

با وجود تلاش‌های دانا برای پرورش نگرشی انسانی‌تر در روفوس، او سرانجام رفتارهای پدر خشن خود را در رابطه با آلیس گرینوود بازتولید می‌کند. دلبستگی وسواس‌گونهٔ او به آلیس با تجاوز و اجبار همراه است. روفوس از میانهٔ رمان به آلیس تجاوز می‌کند، پس از به‌بردگی‌کشیده‌شدن او، وی را می‌خرد و بارها به اطاعت وادارش می‌سازد. این رابطه نشان می‌دهد که چگونه برده‌داری صمیمیت انسانی را به کالا و روابط را به عرصهٔ اعمال قدرت بدل می‌کند. باتلر بی‌پرده به خشونت جنسی علیه زنان برده می‌پردازد. رمان بر آسیب‌پذیری ویژهٔ زنان سیاه‌پوست تأکید دارد؛ زنانی که هم‌زمان در معرض ستم نژادی و جنسیتی قرار می‌گیرند (وایت ۱۹۹۹الف، ۲). مهرپویان و ذاکری نیز در خوانش *دلبند* بر هم‌افزایی نابرابری‌های نژادی، جنسیتی و فرهنگی تأکید می‌کنند. این چارچوب امکان می‌دهد ستم بر آلیس را فراتر از سنگدلی فردی توضیح دهیم (مهرپویان و ذاکری ۲۰۲۵، ۲۰۷-۲۰۶). سرگذشت آلیس در رمان اندوه‌بار است: زنی سیاه‌پوست و آزاد که به اسارت درمی‌آید، مورد تجاوز قرار می‌گیرد و از نظر روانی درهم می‌شکند. خودکشی او پس از باور کردن خبر فروش فرزندانش، افزون بر سنگدلی روفوس، حاصل سال‌ها ستم و فروپاشی روانی در نظام برده‌داری آمریکاست. از روایت دانا درمی‌یابیم که روفوس بارها به آلیس تعدی می‌کند و پس از تلاش او برای فرار، فرزندانش را از او دور می‌سازد و به‌دروغ می‌گوید آنان را فروخته است تا مقاومتش را درهم بشکند. سارا پیامد این جدایی را چنین شرح می‌دهد: «شلاق خوردن چندان اهمیتی نداشت. اما وقتی بچه‌هایش را از او گرفت، فکر کردم همان‌جا خواهد مرد. جیغ می‌کشید و گریه می‌کرد و بی‌تابی می‌کرد. بعد بیمار شد و مجبور شدم از او مراقبت کنم» (باتلر ۱۹۸۱، ۳۰۷).

باتلر با روایت زندگی آلیس نشان می‌دهد که بقا در نظام برده‌داری اغلب با فرسایش تدریجی وجود فرد برده همراه است؛ تا آنجا که مرگ یگانه راه رهایی از جهانی آکنده از تجاوز، خشونت و تحقیر به نظر می‌رسد. رابطهٔ روفوس و آلیس نمونه‌ای بارز از خشونت نظام‌مند است. روفوس، که در کودکی تا اندازه‌ای دلسوز و آسیب‌پذیر می‌نمود، در نوجوانی و سپس بزرگسالی به شخصیتی خشن بدل می‌شود که خود را مالک بدن، احساسات و زندگی آلیس می‌داند. رابطهٔ آن دو به‌تدریج به عرصهٔ خشونت جنسی و روانی و اعمال قدرت تبدیل می‌شود. با استناد به بحث اندروز، می‌توان دریافت که باتلر از خلال این رابطه نشان می‌دهد چگونه نظام برده‌داری حتی عواطف انسانی، از جمله عشق و اشتیاق، را در چارچوب سلطه و مالکیت بازتعریف می‌کند و منطق کالاسازی و نگاه مادی‌گرایانه را بر همه‌چیز حاکم می‌سازد (اندروز ۲۰۱۹، x-xi).

دانا در مزرعهٔ ویلین به‌تدریج درمی‌یابد که خشونت نژادپرستانه به شلاق و تهدید محدود نمی‌شود و در زبان، نگاه‌ها و عرف‌های اجتماعی نیز تنیده است. در این زمینه، دبورا وایت توجه را به درهم‌تنیدگی صورت‌های گوناگون ستم بر زنان سیاه‌پوست در جامعهٔ برده‌داری معطوف می‌کند:

«زنان سیاه‌پوست تبعیض جنسی را به همان شیوه‌ای تجربه نمی‌کردند که زنان سفیدپوست تجربه کرده‌اند. مردان سفیدپوست، صرفاً به سبب رنگ پوست، زنان سیاه‌پوست را متفاوت می‌دیدند و به شیوه‌ای متفاوت با آنان رفتار می‌کردند. نژاد، تجربهٔ زنانگیِ زنان سیاه‌پوست را دگرگون کرده است. تجاوز به آنان، کار بی‌پایان در مزارع، انکار زیبایی‌شان، بی‌اعتناییِ به بارداری‌شان و فروش فرزندانشان، همگی نمودهای هم‌زمان نژادپرستی و تبعیض جنسی‌اند» (وایت ۱۹۹۹الف، ۳).

باتلر با فرستادن دانا به قرن نوزدهم، صورت‌های گوناگون ستم نژادی را به تصویر می‌کشد. برای نمونه، زبان به ابزاری برای سرکوب بدل می‌شود و سکوت یا فروتنی تحمیلی به ازخودبیگانگی و خشونت درونی می‌انجامد. دانا در روایت خود، خشونت تام ویلین در قبال بردگان را شرح می‌دهد و نشان می‌دهد که این خشونت چگونه در چارچوب عرف و قانون عادی جلوه می‌کند:

«درش، با قدرتی که بر بردگانش داشت، آن هیولایی نبود که می‌توانست باشد. او اصلاً هیولا نبود. فقط مردی معمولی بود که گاهی کارهای هیولایی‌ای انجام می‌داد که جامعه‌اش آن‌ها را قانونی و درست می‌دانست» (باتلر ۱۹۸۱، ۱۶۱).

دانا نیز از آسیب و خشونت نظام برده‌داری در مزرعهٔ ویلین مصون نمی‌ماند. او کتک می‌خورد، شلاق می‌خورد و سرانجام، در واپسین کنش مقاومت خود علیه روفوس، که قصد تجاوز به او را دارد، بازوی چپش را از دست می‌دهد. این آسیب نهایی، که هنگام بازگشت به زمان حال رخ می‌دهد، نشانگر هزینه‌های جسمی و روانی ماندگار برده‌داری است. همچنین، بر ترومای روانی‌ای گواهی می‌دهد که با زندگی یکایک سیاه‌پوستان آمریکا، در گذشته و حال، گره خورده است. دانا حتی در سال ۱۹۷۶ نیز از این آسیب در امان نیست. بازوی ازدست‌رفتهٔ او تجسم آسیب تاریخی و یادآور این حقیقت است که گذشته اثری پاک‌نشدنی بر حال بر جای می‌گذارد. با استناد به ایگلتون، زخم‌های دانا تاریخ رسمی روایت‌شده از منظر سفیدپوستان را به چالش می‌کشند و رنج یک زن سیاه‌پوست، زنی معمولی از خانواده‌ای در طبقهٔ متوسط، در مقام روایتی بدیل مطرح می‌شود (ایگلتون ۱۹۹۶، ۳۰). رابطهٔ دانا با کوین، همسر سفیدپوستش، بر پیچیدگی روایت می‌افزاید. هنگامی که کوین نیز ناخواسته همراه دانا به گذشته منتقل می‌شود، می‌کوشد به او در سازگاری با آن محیط خشونت‌بار کمک کند. بااین‌حال، کوین با وجود نیت خیر، از امتیاز سفیدپوستی برخوردار است و هرگز درد و رنج دانا را به‌تمامی درک نمی‌کند. او می‌تواند در قیاس با دانا آزادانه‌تر رفت‌وآمد کند، شغلی بیابد و کمتر در معرض تهدید خشونت قرار گیرد. فاصلهٔ عاطفی‌ای که در دوران جدایی آن دو پدید می‌آید، نشان می‌دهد که نژاد و

رنگ پوست می‌توانند حتی در روابط مبتنی بر عشق، شکاف‌هایی عمیق میان تجربه‌های افراد ایجاد کنند. دانا هنگام کار با بدنی آسیب‌دیده، فرسایش روانی ناشی از برده‌داری را چنین توصیف می‌کند: «برده‌داری فرایندی طولانی و آهسته برای کرخت کردن بود» (باتلر ۱۹۸۱، ۲۲۲).

در همین روایت دانا، نمودهایی از ایستادگی در برابر ستم نژادپرستانه نیز دیده می‌شود. شخصیت‌هایی چون نایجل و سارا، از بردگان مزرعهٔ ویلین، جلوه‌های آشکار مقاومت پنهان در دل نظام برده‌داری‌اند. در برابر خشونت علنی اربابان سفیدپوست، مقاومت بردگان اغلب در قالب کنش‌های روزمره، غیرمستقیم و به‌ظاهر سازگارانه شکل می‌گیرد. سارا، آشپز مزرعه، با وجود آنکه قربانی مستقیم این نظام است و خانوادهٔ ویلین فرزندانش را فروخته‌اند، کرامت انسانی خود را حفظ می‌کند و با دانا رابطه‌ای حمایتی و خواهرانه برقرار می‌سازد. او دانا را با خطرها، روابط قدرت و راه‌های نجات در محیط خصمانهٔ مزرعه آشنا می‌کند. این حمایت، هرچند خاموش و به‌ظاهر منفعلانه است، به بقای دانا و حفظ حداقلی از عزت‌نفس او یاری می‌رساند. بحث وایت دربارهٔ همکاری و مراقبت در شبکه‌های زنان برده، زمینهٔ تاریخی این رابطهٔ حمایتی را روشن می‌کند (وایت ۱۹۹۹الف، ۱۲۴–۱۲۷). در نمونه‌ای دیگر، دانا با تأکید بر اینکه اختیار زندگی خود را یکسره واگذار نخواهد کرد، به کوین می‌گوید: «من مایملک نیستم، کوین. من اسب یا کیسهٔ گندم نیستم. اگر مجبور باشم مایملک به نظر برسم، اگر مجبور باشم به خاطر روفوس محدودیت‌هایی بر آزادی‌ام بپذیرم، او هم باید محدودیت‌هایی بر رفتارش با من بپذیرد. باید آن‌قدر اختیار زندگی‌ام را برایم باقی بگذارد که زندگی کردن بهتر از کشتن و مردن به نظرم برسد» (باتلر ۱۹۸۱، ۳۰۲). نایجل نیز، برده‌ای که از کودکی با روفوس بزرگ شده است، با وجود وابستگی به خانوادهٔ ویلین، در بزنگاه‌های حساس وفاداری خود را به دانا نشان می‌دهد. یکی از لحظات مهم پایان داستان هنگامی است که دانا احتمال می‌دهد نایجل خانه را آتش زده باشد تا قتل روفوس به دست او پنهان بماند. دانا از اسناد موجود درمی‌یابد که مرگ روفوس به آتش‌سوزی نسبت داده شده و اشاره‌ای به قتل او نشده است. نقش نایجل در این واقعه استنباط داناست و او مستقیماً شاهد آن نبوده است (باتلر ۱۹۸۱، ۳۲۲). این خوانش از انتخاب‌های نایجل نشان می‌دهد که او، با وجود باقی ماندن در چارچوب نظام نژادپرستانه، حتی در شرایط دشوار و بحرانی نیز می‌تواند دست به کنش اخلاقی و مقاومت بزند. گوان این کنش‌های کوچک اما مستمر را نمود مقاومت فرهنگی و روانی سیاه‌پوستان در ساختاری می‌داند که آنان را صرفاً ابزار کار یا مایملک تلقی می‌کند (گوان ۱۹۸۶، ۹۰). نایجل و سارا با نپذیرفتن کامل نقش‌های تحمیل‌شده، در ظاهر یکپارچهٔ سلطه شکاف ایجاد می‌کنند و ضمن حفظ بقا، امید به انسانیت و امکان برخورداری از صدایی، هرچند موقت، را زنده نگه می‌دارند.

نقش کوین، همسر دانا، نیز در این روایت معنادار است. کوین که همراه دانا به گذشته سفر می‌کند، با وجود نیت خیر، نمی‌تواند خشونت نظام‌مند علیه او را به‌تمامی درک کند. او در قیاس با دانا آسان‌تر کار می‌یابد، آزادانه‌تر رفت‌وآمد می‌کند و کمتر در معرض تهدید دائمی خشونت جسمانی قرار می‌گیرد. این فاصله میان تجربه‌های دانا و کوین نشان می‌دهد که تفاوت نژادی، حتی در روابط عاطفی مبتنی بر اعتماد، می‌تواند مانعی برای درک کامل متقابل باشد. رمان از این طریق ساختار روابط میان‌نژادی را به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که حسن نیت، بدون شناخت عمیق نظام نابرابری و ستم، کفایت نمی‌کند. حضور کوین در گذشته، که با «ساختارهای مردمحور» پیوند دارد، بُعدی مردسالارانه به رنج دانا می‌بخشد (هوآ ۲۰۱۱، ۳۹۴). کوین، به‌رغم نیت خیرخواهانهٔ خود، گاه ناخواسته در بازتولید روابط قدرت مردانه مشارکت می‌کند و جایگاه فرودست دانا را در نظامی مبتنی بر تبعیض جنسیتی تثبیت می‌سازد. رابطهٔ آن دو تعارض میان حمایت و سلطه

را آشکار می‌کند و پیچیدگی مناسبات نژاد، جنسیت و قدرت را در بستر تاریخی آمریکا نشان می‌دهد. از نظر ساختار روایی نیز یکی از دستاوردهای مهم باتلر، پرهیز از دوگانه‌سازی مطلق اخلاقی است. او با آفرینش شخصیت‌هایی چون سارا و نایجل در کنار برده‌داران ستمگری مانند تام و روفوس ویلین، نشان می‌دهد که مقاومت در برابر قدرت نژادپرستانه می‌تواند صورت‌هایی ظریف، روزمره و پنهان داشته باشد. مهم‌ترین دستاورد رمان، آگاهی دانا از نژادپرستی در جامعهٔ آمریکاییِ زمان خود است؛ آگاهی‌ای که به‌ویژه در بخش‌های پایانی رمان برجسته می‌شود. باتلر با بهره‌گیری از تاریخ و جابه‌جایی‌های زمانی دانا، اسطورهٔ پیشرفت آمریکایی را به‌صورتی انتقادی بازخوانی می‌کند. دانا، که در دوران پس از جنبش حقوق مدنی زندگی می‌کند، به‌طور نمادین به گذشته‌ای بازمی‌گردد که می‌بایست پایان یافته باشد. بااین‌حال، تجربهٔ او از تداوم ساختارهای نژادپرستانه در جامعهٔ آمریکا حکایت دارد؛ ساختارهایی که صورتشان تغییر کرده است، اما ماهیتشان پابرجاست. بازگشت به گذشته کنشی افشاگرانه است که استمرار و امکان بازگشت تاریخ را آشکار می‌کند، به‌ویژه برای کسانی که زندگی‌شان با میراث بردگی و خشونت گره خورده است.

سرانجام، باید به شیوهٔ واقع‌گرایانهٔ باتلر در روایت تاریخ توجه کرد. سلسله‌مراتب اجتماعی مزرعهٔ ویلین، واژگان برتری‌طلبی سفیدپوستان، اقتصاد برده‌داری و نظم کار و مجازات، با جزئیاتی هولناک بازنمایی می‌شوند. حاصل این روایت، بازآفرینی تاریخی برده‌داری است که شیوهٔ واقع‌گرایانهٔ آن، هولناکی این نظام را برجسته‌تر می‌سازد. خوانندگان امروز، از دریچهٔ نگاه معاصر دانا، ناگزیرند گذشته را همچون تجربه‌ای زنده، شخصی و حل‌نشده بازنگرند و از تلقی آن به‌مثابه امری دور و انتزاعی فاصله بگیرند. بدین‌ترتیب، رمان اسطورهٔ پیشرفت در آمریکا را نقد می‌کند. دانا، زنی که در دوران پس از اوج جنبش حقوق مدنی زندگی می‌کند، به‌معنای حقیقی به جهانی کشانده می‌شود که ظاهراً دیگر وجود ندارد، اما درمی‌یابد که ریشه‌های خشونت نژادی همچنان برجاست. رمان باتلر بر خصلت چرخه‌ای و بازگشت‌پذیر تاریخ، در برابر تصور سیر خطی آن، تأکید می‌کند؛ به‌ویژه برای کسانی که نیاکانشان در اسارت بردگی بوده‌اند. زخم‌های گذشته در حافظهٔ فرهنگی و نیز در ساختارهای روانی و اجتماعی زمان حال استمرار دارند. انتخاب باتلر برای آنکه دانا زنده بماند اما بازوی خود را از دست بدهد، نمادی از هزینهٔ بقاست. این نقص عضو، افزون بر آسیب جسمانی، معنایی نمادین دارد: بخشی از وجود دانا همواره با تاریخی که از سر گذرانده است پیوند دارد و آثار تجربه‌های دردناک او بازگشت‌ناپذیرند. حتی خانهٔ او در سال ۱۹۷۶ نیز شبح‌زده و ناتمام به نظر می‌رسد. رمان با دریافتی خاموش و اندوه‌بار، بی‌آنکه پیروزی کاملی حاصل شده باشد، پایان می‌یابد؛ زیرا گذشته هنوز به پایان نرسیده است و میراث برده‌داری و نظام نژادپرستانهٔ آن همچنان بر زندگی سیاه‌پوستان آمریکایی اثر می‌گذارد.

۵– نتیجه

رمان *خویشاوند*، اثر اکتاویا باتلر، با تلفیق عناصر علمی‌تخیلی، تاریخ‌نگاری انتقادی و شگردهای پسامدرن، تصویری عمیق و تکان‌دهنده از تجربهٔ سیاه‌پوستان آمریکا ارائه می‌دهد و گذشتهٔ خشونت‌بار برده‌داری را به ساختارهای نژادپرستانهٔ معاصر پیوند می‌زند. باتلر با روایت غیرخطی و سفرهای زمانی دانا میان گذشته و حال، مرزهای زمانی را درهم می‌شکند و نشان می‌دهد که میراث برده‌داری به گذشته محدود نمی‌ماند و در ساختارهای نژادپرستی نظام‌مند امروز استمرار دارد. بازگشت‌های مکرر دانا به گذشته و آسیب‌های جسمی و روانی‌ای که با خود به زمان حال می‌آورد، از ماندگاری زخم‌های تاریخی در بدن و روان نسل‌های بعدی حکایت می‌کنند. این رمان در سنت انتقادی ادبیات آفریقایی‌آمریکایی جای می‌گیرد، در برابر حذف و تحریف تاریخ مقاومت می‌کند و صدای فرودستان را بازمی‌یابد. دانا، افزون بر نقش راوی، کنشگری نمادین است که سفرهای اجباری‌اش به گذشته، حافظهٔ تاریخی را فعال می‌کند و امکان مقاومت در برابر فراموشی را فراهم

می‌سازد. رنج‌های او نماد ترومای آفریقایی‌آمریکاییان است که از دوران برده‌داری تا دهۀ ۱۹۷۰ استمرار یافته است. از نظر ساختاری، رمان در برابر روایت‌های خطی و غایت‌مند تاریخ قرار می‌گیرد. شگردهای پسامدرن، از جمله پرش زمانی، بی‌ثباتی هویت و تعلیق اخلاقی، در خدمت تقویت نگاه انتقادی به تاریخ و جامعه‌اند و به نسبی‌سازی تاریخ نمی‌انجامند. باتلر با قرار دادن دانا در موقعیتی دوگانه میان گذشته و حال، شکاف‌های گفتمانی حافظۀ جمعی آمریکا را برجسته می‌کند و روایت پیشرفت عقلانی غرب را به نقد می‌کشد. *خویشاوند* تجسم ادبی روایتی سیاسی و انتقادی است که ظرفیت‌های علمی‌تخیلی را برای مواجهه با واقعیت به کار می‌گیرد. باتلر با تلفیق سنت‌های ادبی سیاهان، واقع‌گرایی تاریخی و تخیل گمانه‌زن، خواننده را به بازاندیشی در تاریخ و شناخت گفتمان‌های سلطه و سرکوب فرامی‌خواند. این رمان، ضمن ارائۀ روایتی نوین از برده‌داری، تداوم خشونت ساختاری و مبارزه برای بازسازی هویت سیاهان را در نظام نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز آمریکا بازنمایی می‌کند. رمان باتلر در بازنویسی تاریخ و ترسیم چشم‌اندازی از مقاومت و بقا در آمریکای دهۀ ۱۹۷۰ نقشی بنیادین دارد؛ دهه‌ای که جنبش‌های مدنی و اعتراضی سیاهان علیه تبعیض و سرکوب ادامه یافتند. امید است در جامعۀ دانشگاهی ایران، پژوهش‌های نوین و میان‌رشته‌ای بیشتری دربارۀ خوانش‌های انتقادی ادبیات آمریکا صورت گیرد؛ پژوهش‌هایی که با بهره‌گیری از نظریه‌های معاصر، لایه‌های پنهان معنا، مناسبات قدرت و ساختارهای ایدئولوژیک را آشکار کنند و به درک عمیق‌تر تاریخ و فرهنگ آمریکا یاری رسانند.

***

۱. نویسنده اذعان کرد که این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی مصوب استفاده نکرده است.

۲. نویسنده اذعان کرد که هیچ تعارض منافعی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.

۳. نویسنده اذعان کرد که در نوشتن این مقاله از هوش مصنوعی مولد استفاده نکرده و تمام اثر آفریدۀ ایشان است.

References

Alberta Civil Liberties Research Centre. n.d. “Forms of Racism.” Accessed October 12, 2026. https://www.aclrc.com/issues/anti-racism/cared/the-basics-level-1/forms-of-racism/.

Andrews, William L. 2019. *Slavery and Class in the American South: A Generation of Slave Narrative Testimony, 1840–1865*. Oxford University Press. https://doi.org/10.1093/oso/9780190908386.001.0001.

Bressler, Charles E. 2011. *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*. 5th ed. Longman.

Butler, Octavia E. 1981. *Kindred*. Introduction by Robert Crossley. Beacon Press.

Christian, Barbara. 1987. “The Race for Theory.” *Cultural Critique*, no. 6: 51–63. https://doi.org/10.2307/1354255.

Donaldson, Eileen. 2014. “A Contested Freedom: The Fragile Future of Octavia Butler’s *Kindred*.” *English Academy Review* 31 (2): 94–107. https://doi.org/10.1080/10131752.2014.965423.

Douglass, Frederick. 1845. *Narrative of the Life of Frederick Douglass, an American Slave. Written by Himself*. Anti-Slavery Office. https://www.loc.gov/resource/rbc0001.2023gen03386/.

Du Bois, W. E. B. 2007. *The Souls of Black Folk*. Edited with an introduction and notes by Brent Hayes Edwards. Oxford University Press.

Eagleton, Terry. 1996. *The Illusions of Postmodernism*. Blackwell.

Gates, Henry Louis, Jr. 2014. *The Signifying Monkey: A Theory of African American Literary Criticism*. 25th anniversary ed. Oxford University Press.

Govan, Sandra Y. 1986. "Homage to Tradition: Octavia Butler Renovates the Historical Novel." *MELUS* 13 (1–2): 79–96. https://doi.org/10.2307/467226.

Hampton, Gregory Jerome. 2010. *Changing Bodies in the Fiction of Octavia Butler: Slaves, Aliens, and Vampires*. Lexington Books. https://doi.org/10.5771/9780739137895.

Hartman, Saidiya. 2022. *Scenes of Subjection: Terror, Slavery, and Self-Making in Nineteenth-Century America*. Revised and expanded ed. W. W. Norton.

Henry, Frances, and Carol Tator. 2006. *The Colour of Democracy: Racism in Canadian Society*. 3rd ed. Thomson Nelson.

Hua, Linh U. 2011. "Reproducing Time, Reproducing History: Love and Black Feminist Sentimentality in Octavia Butler's *Kindred*." *African American Review* 44 (3): 391–407. https://doi.org/10.1353/afa.2010.0000.

Mehrpouyan, Azadeh, and Elahesadat Zakeri. 2025. "Intersectional Feminism and Neo-Slave Narratives in Simin Daneshvar's *Savushun* and Toni Morrison's *Beloved*." *Research in Contemporary World Literature* 30 (1): 183–215. https://doi.org/10.22059/jor.2024.361845.2440.

Popescu, Irina. 2018. "Empathetic Trappings: Revisiting the Nineteenth Century in Octavia Butler's *Kindred*." *Journal of Human Rights* 17 (2): 184–98. https://doi.org/10.1080/14754835.2017.1313103.

Porterfield, Laura K. 2025. "'What Is the Truth?': On Teaching Paradoxes, Race, Family, and the Self with Octavia Butler's *Kindred*." *Review of Education, Pedagogy, and Cultural Studies* 47 (2): 255–80. https://doi.org/10.1080/10714413.2024.2388363.

Sanz Jiménez, Miguel. 2020. "Translating African-American Neo-Slave Narratives: Black English in *The Good Lord Bird* and *The Underground Railroad*." *Revista de Estudios Norteamericanos* 24: 203–26. https://doi.org/10.12795/REN.2020.i24.10.

Shadpour, Reyhane Sadat, and Amirhossein Vafa. 2026. "Rethinking Failure: A Decolonial Reassessment of Ralph Ellison's *Invisible Man* and Arundhati Roy's *The God of Small Things*." *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities* 6 (1): 251–80. https://doi.org/10.22077/islah.2025.10022.1728.

Toliver, S. R., and Martez Files. 2026. "Kindred Rites of Sankofa: On Octavia Butler's Histofuturist Approach to Artful Inquiry." *Qualitative Inquiry* 32 (2): 182–89. https://doi.org/10.1177/10778004251316191.

White, Deborah Gray. 1999a. *Ar'n't I a Woman? Female Slaves in the Plantation South*. Revised ed. W. W. Norton.

White, Deborah Gray. 1999b. *Too Heavy a Load: Black Women in Defense of Themselves, 1894–1994*. W. W. Norton.